

ارتباط شهودی با اشیا

واکاوی شعر محسن مزخوری در مجموعه اشیا تنها سکوت خود را تماشا می‌کنند

«کلید، در، پیراهن، کفش، بند، جوهر، خودکار» چندین دال را در خود نهفته دارند. مفهوم مرکزی شعر حرکت است. موتیف‌های عینی (کلید، کفش، خودکار و اسب) به (در، پا، جوهر و طویله) ارجاع داده می‌شوند. همچنین محصور بودن اشیا در زیانه «در، لوله خودکار و محیط طویله» ساختار معنایی را در گستره وسیع‌تری ارائه می‌دهد.

از طرف دیگر کلمات «در، خودکار و طویله» در تقابل «کلید، جوهر، اسب» ذهنیت انتقادی واعتراضی را در بطن خود دارند. این تکررگرایی برگرفته از جهان متکثر اشیا است. اشاره دور یا نزدیک سبب معناهای متفاوت می‌شود که گاهی کلیت شعر در حالت تعلیق قرار می‌گیرد.

با توجه به مضمون تخیلی پنهانی به اشیا نسبت داده شده است. هر شیء حرکت می‌کند. از دید پنهان می‌شود و دوباره سر بزنگاه ابراز وجود می‌کند. ارجاع دادن به اشیا زمینه حرکت را فراهم می‌کند. در این کلی‌نگری تشخص دادن به «کلید، در، پیراهن، کفش، خودکار و سایه» به دور از ابهام و پیچیدگی است. در این ریزبینی، اسب بی‌قرار محیط بیرون است، همچنان که جوهر بی‌قرار بیرون پریدن از لوله تنگ خودکار است. شاید این دو شیء شباهتی با هم ندارند و زیبایی ساختاری آنها در کنار هم نشستن است.

در این شعر اشیا محور همه چیز در زمینه‌ای انتزاعی قرار می‌گیرد. ترکیب «منتظرم می‌ایستد» در مقابل «منتظر نشستن» آمده است، با این معنا که همه چیز در محاصره اشیا است، حتی سایه‌ای که قرار است در آب خیس‌انده شود.

از طرف دیگر ترکیب زیبای «انداختن سایه روی بند» و «سایه‌ام را بخیسان» نشان از نگاه انتزاعی دارد. تکرار دوباره «کلید در به در» درماندگی و سرگردانی را می‌رساند. البته نوع تقطیع از ارزش بصری برخوردار است. مکث، آهنگ کلمات، هماهنگی صامت و مصوت‌ها از شگردهای ساختاری است.

در این اشیا محوری، شعر از منظر راوی نظاره گر(خودگویی) روایت می‌شود. زبان بیشتر حول محور اشیا می‌چرخد، اینچنان

که حرکتی از تاریکی به روشنی دارند. جزئی‌نگری سبب تحریک ذهنی می‌شود. در این جهت شاخص تعریف شده‌ای بین این دو رویکرد ذهنی و رویکرد عینی برقرار است. در این روایت‌های مضمونی شعر به سمت عنینت‌گرایی می‌رود. به‌طور معمول در بیان تصاویر روایی عین و ذهن ساختار متعارف دارند و ایجاز‌های کلامی بواسطه ساختار باورمند شکل می‌گیرد.

در مجموعه «هزارپایی چیزها» روح انسان‌ها به وسیله اشیا منجمد شده است و در«اشیا تنها سکوت خود را تماشا می‌کنند» سلطه اشیا بر انسان و هستی نمایش داده می‌شود.

مهم‌ترین خصیصه شعر مزخوری تشخص بخشیدن به

اشیا است. با این نوع فرم اعتبار خاصی به اشیا داده است. به ساختار، شکل و رنگ پدیده‌ها توجه بیشتری دارد. با تلفیق خیال و واقعیت تصویری از سلطه اشیا بر آدمی را نشان می‌دهد. در این جهت درک و فهم خود را به تصویر می‌کشاند و در صدد است تا تعریفی تازه ارائه دهد.

ای کلید در به در
ای صاحب تنهایی در رفتار خودت
با پیراهنم که مدارا می‌کند با من
با کفشی که پشت در منتظرم می‌ایستد
و واق واق می‌کند توی دلش
بیا برای گفتن اشیا از زبانم حرف بکش

سایه‌ام را بخیسان
و بندازم روی بند
ای کلید در به در
جوهر خودکارم

مثل اسبی در طویله‌اش زندانی ست.

محسن مزخوری در مجموعه «اشیا تنها سکوت خود را تماشا می‌کنند» تصویری از سلطه اشیا بر کلمات و سلطه کلمات بر اشیا را نشان می‌دهد.

در بازه‌های مختلف زمانی اشاره به اشیا و پدیده‌ها در شعر شاعران معاصر جریان داشته است. فروغ فرخزاد و منوچهر

آتشى نگاه مستقل خود را در شیء«سرایى داشته‌اند. از دهه هفتاد به بعد شیءسرایى در شعر برخی شاعران رونق گرفت. «ایرج ضیایی، مسعود احمدی، رضا چایچی، رضا حامی‌پور، علیرضا آیین، سینا سنجرى، سپیده گوئی...» رویکردی جدی به شعر اشیا داشته‌اند. اولویت را به نوآوری‌های فرمی و ساختار زبانی داده‌اند. با تشخص‌های ادبی به اشیا جان داده‌اند و با احضار آنها ذهنیت خود را بنیان نهاده‌اند؛ به‌طوری‌که حضور اشیا و پدیده‌ها سبب خلاقیت و نوآوری‌های فرمی شده است.

در شعر«کلید» شگردهای زیبایی به کار رفته است. کلمات از ظرافت‌های زیباشناختی برخوردارند. اگر کلمات به مثابه شیء دیده شوند، درنگ‌های اول زیبایی‌های خود را به ما نشان می‌دهند. در این جهت کلمات شیء می‌شوند(شیء یافتگی کلمه) و گاه اشیا بر کلمات سایه دارند.

زیبایی‌شناسی کلمات در ارتباط با اشیا برجسته می‌شوند. در این شیءگرایی جایی برای تفکر و اندیشه هست. اشیا و پدیده‌ها حضور معنا‌داری دارند.اگر چه زبان تابع ساختار روایی است، اما ارتباط حسی و مفصل‌بندی بین سطرها و بندها قدرت تخیل را به اشیا منتقل کرده است.

ایمان اصلی شعر شیءوارگی و روزمرگی است. سطرها سرشار از دیالوگ بین اشیا است. در این نوع شعر اشیا، افراد در زمینه‌ای انتزاعی قرار گرفته‌اند. به طوری که کلمات رنگ اشیا به خود می‌گیرند. واژه‌ها در ارتباط با اشیا برجسته می‌شوند. در این وضعیت روح انسان‌ها به وسیله اشیا منجمد شده است و قدرت اشیا از همه کائنات بیشتر است. شعر با لفظ خطایی«ای» آغاز

می‌شود. ارتباط بین «کلید و در»، «پیراهن و کفش»، «جوهر و خودکار» و «اسب و طویله» تناسب را در بی‌ربطی به هم متصل می‌کند و شبکه‌ای از مفاهیم را به ذهن مخاطب می‌آورد.

شعر «کلید» در ظاهر ساده است، اما معنایی ژرف در آن نهفته است. هر شیء ارجاعی به بیرون و درون دارد. مدلول اشیایی نظیر



سریا داوودی
حموله
شاعر و منتقد ادبی



بیشتر به آینده نگاه کنیم، ارتش یک نفره برای پیشبرد یک مبارزه سخت کفایت نمی‌کند.

همان‌طور که دربیانیه پایانی‌ام اشاره کردم، همه می‌دانیم که کار کردن در وادی ادبیات مصداق روشن «خود در بلافتکندن» است، چیزی شبیه کار کردن در زمین خشک و سنگلاخ به امید رویدن سبزه.

شما از هر طرف در معرض باد و طوفان هستی؛ چه مشکلات و موانع سازمانی، چه مهیا کردن مقدمات و مؤخرات کار، چه مدیریت پر حفظ امانت‌داری آثار و چه شنیدن طعنه‌ها و کتایبه‌های جانبی.... همه اینها انرژی زیادی می‌گیرد که ما را برای انجام یک فعالیت ادبی در آینده دچار تردید می‌کند.

با این همه اما امیدوارم همه ما کار جمعی و تعامل و گفت‌وگو را تمرین کنیم، چون اتفاق‌های خوب در سایه این موارد می‌افتد.

آنها که با کلمات آشنا هستند

جایزه ادبی مشهد، پنجره‌ای است برای آنها که با کلمات آشنا هستند در قالب‌های جذاب ادبی. آنها که به خراسان بزرگ و خورشید رخشان علم و ادبش ایمان دارند؛ حالا از پنجره جایزه ادبی مشهد، به این دنیار سراسر نور می‌نگرند.

از آغازین دوره جایزه، در بخش تک اثر با دو قالب کلاسیک و آزاد، ژانرهای مختلفی از شعر را می‌شد نظاره کرد. شاعرانی که همچنان در زبان قدیم کلاسیک و تغزل به سر می‌بردند و شاعرانی که قالب کلاسیک را با نگاهی نو چه از نظر محتوا و چه از نظر زبانی، تجربه کرده بودند که هر کدام در نوع خودش، جایگاه خود را دارد و بالطبع قوت و ضعف هر دو در بخش کلاسیک مد نظر داوران قرار گرفت. بعضی از اشعار کلاسیک با جذبه‌های خاص خود در وزن و قافیه و محتوای نو، توجه را جلب می‌کرد و بعضی با تغزل‌هایی که رؤیای عاشقانه‌ای را در ذهن شکوفا می‌نمود.

بواسطه مؤلفه‌هایی که در نظر داوران بود، طی جلسات متعدد به رای واحد رسیدند. در بخش کلاسیک، آثار اکثر شاعران به زبان شاعر خود نزدیک بود و کمتر پیش می‌آمد که اثر کلاسیک یک شاعر با اثر دیگرش، تفاوت زیادی داشته باشد. دایره واژگانی مشترک، حس و عاطفه یکسان و اغلب محتوای یکسان از ویژگی‌های تک اثر در بخش کلاسیک بود.

اما در بخش شعر آزاد، تفاوت اشعار در یک کد - اشعار در هر دو بخش با کد در اختیار داوران قرار گرفت - گاه قابل ملاحظه بود. تنوع موضوع و دایره واژگانی جدیدتر و بازی‌های زبانی و به‌کارگیری تکنیک‌های شاعری در این بخش، بیشتر به چشم می‌خورد و شاید داورى را کمی سخت‌تر از بخش کلاسیک می‌کرد.

در مجموع، اشعار در بخش تک اثر در سطح متوسط به بالا ارائه شده بود و بنده به‌عنوان یکی از داوران با زبان مشترک در نگاه یکسان به جنس واژه‌ها و تجربه‌های زیستی نه چندان سطح بالا در شعرها مواجه بودم.

درمجموع کیفیت و تعداد آثاری که بررسی کردیم هم بسیار قابل توجه بود و با توجه به اینکه جایزه ادبی مشهد، برگزارى نخستین دوره خود را تجربه می‌کرد و نیز اولین دوره این جایزه، مصادف شده بود با همه‌گیری بیماری کرونا و تأثیر آن بر حوزه نشر و کاهش انتشار کتاب‌های شعر جدی (چراکه بسیاری از شاعران جدی‌تر، انتشار آثار خود را موقوف کرده‌اند به روزهای پس از کرونا) از این حیث باید برای تلاش‌های پیگیرانه و بی‌وقفه دست‌اندرکاران این جایزه ادبی، ارزش ویژه قائل شد.



نرگس برهمند
داور جایزه ادبی مشهد



جایزه ادبی مشهد در روزگاری برگزار شد و یک بخش مهم خود را به شعر اختصاص داد، که همه از وضعیت شعر خبر داریم و می‌دانیم که دیگر شعر، جایگاه گذشته‌اش را در بین مردم و نیز در میان آثار تألیفی جدی ندارد و مثل دهه‌های پیش، چاپ یک کتاب شعر، اتفاق چندان مهم و تأثیرگذاری به‌شمار نمی‌رود و حتی اغلب ناشرانی هم که زمانی اعتبارشان را به‌واسطه چاپ شعر به‌دست آورده بودند، دیگر رغبت چندانی به چاپ شعر نشان نمی‌دهند و... جایزه ادبی مشهد، در چنین روزگاری شکل گرفت و یکی از بخش‌های اصلی‌اش را به شعر اختصاص داد.

گرچه عنوان این جشنواره و نامگذاری بخش شعر آن به نشان «مهدی اخوان ثالث» ممکن بود این تصور را ایجاد کند که نگاهی بومی بر این جشنواره حاکم است، اما در عمل، ادعای خود را مبنی بر ملی بودن رویکردمان به اثبات رساندیم و نشان دادیم که با نگاهی بی‌طرفانه، تمامی جریان‌های شعری را با هر وابستگی عقیدتی و جغرافیایی، مدنظر قرار داده‌ایم، لذا هیچ مرزبندی جغرافیایی و عقیدتی‌ای نیز برای شرکت در این رویداد فرهنگی و نیز برای داوری آثار قائل نشدیم و اینکه خراسان همواره از دیرباز به‌عنوان مرکز شعر شناخته می‌شده است، صرفاً در این حیطه به رسمیت شناختیم که خراسان، به‌عنوان یک مرکزیت ادبی، میزبان یک رویداد مهم ادبی باشد و چون مادری مهربان، آغوش پذیرایش را به‌روی اشعار تمامی فرزندان این مرز و بوم بگشاید و با نگاهی فراگیر و ملی، تمام جریان‌های فرهنگی و جغرافیایی شعر امروز را به میهمانی بپذیرد؛ اتفاقی که البته منجر به دریافت تعداد بسیار زیادی اثر در قالب کتاب و تک‌شعر شد و در نهایت با توجه به حجم بالای آثار رسیده به جشنواره، برای

التزام به رعایت حقوق تمامی شرکت‌کنندگان، علاوه بر افزایش تعداد داوران و افزایش مدت‌زمان بررسی آثار توسط داوران، از داوران غیربومی خراسان نیز در روند داوری بهره بردیم، تا بتوانیم بهترین و دقیق‌ترین نتیجه را بگیریم و نگاهی بی‌طرفانه بر این امر حاکم باشد.

درباره جایزه ادبی مشهد

وقتی دوسال پیش طرح مفصل «جایزه ادبی مشهد» را آماده می‌کردم هیچ گمان نمی‌بردم که اینقدر فرساینده و سخت باشد، نه که جاهل باشم به مشکلات؛ خوب می‌دانستم که برگزاری جایزه‌ای در این سطح - با دویخش کتاب و تک‌اثر و هشت زیرمجموعه موضوعی- کار آسانی نیست. سال ۹۸ طرح برای تأییدیه‌های مختلف اداری و سازمانی ارسال شد و من با اشتیاق چشم به راه یک اتفاق و میهمانی بزرگ ادبی بودم، یک میهمانی با حضور شاعران، نویسندگان، جستارنویسان و اهالی ادبیات تا در یک دورهمی صمیمانه فرصت گفت‌وگو و تبادل تجربه پیش بیاید، چرا که مانیفست جایزه مشهد از ابتدا مبتنی بر همین موضوع بود و نه صرفاً انتخاب چند



حسین اهل‌بذری
دبیر جایزه ادبی مشهد

جایزه ادبی مشهد در روزگاری برگزار شد و یک بخش مهم خود را به شعر اختصاص داد، که همه از وضعیت شعر خبر داریم و می‌دانیم که دیگر شعر، جایگاه گذشته‌اش را در بین مردم و نیز در میان آثار تألیفی جدی ندارد و مثل دهه‌های پیش، چاپ یک کتاب شعر، اتفاق چندان مهم و تأثیرگذاری به‌شمار نمی‌رود و حتی اغلب ناشرانی هم که زمانی اعتبارشان را به‌واسطه چاپ شعر به‌دست آورده بودند، دیگر رغبت چندانی به چاپ شعر نشان نمی‌دهند و... جایزه ادبی مشهد، در چنین روزگاری شکل گرفت و یکی از بخش‌های اصلی‌اش را به شعر اختصاص داد.

گرچه عنوان این جشنواره و نامگذاری بخش شعر آن به نشان «مهدی اخوان ثالث» ممکن بود این تصور را ایجاد کند که نگاهی بومی بر این جشنواره حاکم است، اما در عمل، ادعای خود را مبنی بر ملی بودن رویکردمان به اثبات رساندیم و نشان دادیم که با نگاهی بی‌طرفانه، تمامی جریان‌های شعری را با هر وابستگی عقیدتی و جغرافیایی، مدنظر قرار داده‌ایم، لذا هیچ مرزبندی جغرافیایی و عقیدتی‌ای نیز برای شرکت در این رویداد فرهنگی و نیز برای داوری آثار قائل نشدیم و اینکه خراسان همواره از دیرباز به‌عنوان مرکز شعر شناخته می‌شده است، صرفاً در این حیطه به رسمیت شناختیم که خراسان، به‌عنوان یک مرکزیت ادبی، میزبان یک رویداد مهم ادبی باشد و چون مادری مهربان، آغوش پذیرایش را به‌روی اشعار تمامی فرزندان این مرز و بوم بگشاید و با نگاهی فراگیر و ملی، تمام جریان‌های فرهنگی و جغرافیایی شعر امروز را به میهمانی بپذیرد؛ اتفاقی که البته منجر به دریافت تعداد بسیار زیادی اثر در قالب کتاب و تک‌شعر شد و در نهایت با توجه به حجم بالای آثار رسیده به جشنواره، برای

التزام به رعایت حقوق تمامی شرکت‌کنندگان، علاوه بر افزایش تعداد داوران و افزایش مدت‌زمان بررسی آثار توسط داوران، از داوران غیربومی خراسان نیز در روند داوری بهره بردیم، تا بتوانیم بهترین و دقیق‌ترین نتیجه را بگیریم و نگاهی بی‌طرفانه بر این امر حاکم باشد.

جایزه ادبی مشهد در روزگاری برگزار شد و یک بخش مهم خود را به شعر اختصاص داد، که همه از وضعیت شعر خبر داریم و می‌دانیم که دیگر شعر، جایگاه گذشته‌اش را در بین مردم و نیز در میان آثار تألیفی جدی ندارد و مثل دهه‌های پیش، چاپ یک کتاب شعر، اتفاق چندان مهم و تأثیرگذاری به‌شمار نمی‌رود و حتی اغلب ناشرانی هم که زمانی اعتبارشان را به‌واسطه چاپ شعر به‌دست آورده بودند، دیگر رغبت چندانی به چاپ شعر نشان نمی‌دهند و... جایزه ادبی مشهد، در چنین روزگاری شکل گرفت و یکی از بخش‌های اصلی‌اش را به شعر اختصاص داد.

گرچه عنوان این جشنواره و نامگذاری بخش شعر آن به نشان «مهدی اخوان ثالث» ممکن بود این تصور را ایجاد کند که نگاهی بومی بر این جشنواره حاکم است، اما در عمل، ادعای خود را مبنی بر ملی بودن رویکردمان به اثبات رساندیم و نشان دادیم که با نگاهی بی‌طرفانه، تمامی جریان‌های شعری را با هر وابستگی عقیدتی و جغرافیایی، مدنظر قرار داده‌ایم، لذا هیچ مرزبندی جغرافیایی و عقیدتی‌ای نیز برای شرکت در این رویداد فرهنگی و نیز برای داوری آثار قائل نشدیم و اینکه خراسان همواره از دیرباز به‌عنوان مرکز شعر شناخته می‌شده است، صرفاً در این حیطه به رسمیت شناختیم که خراسان، به‌عنوان یک مرکزیت ادبی، میزبان یک رویداد مهم ادبی باشد و چون مادری مهربان، آغوش پذیرایش را به‌روی اشعار تمامی فرزندان این مرز و بوم بگشاید و با نگاهی فراگیر و ملی، تمام جریان‌های فرهنگی و جغرافیایی شعر امروز را به میهمانی بپذیرد؛ اتفاقی که البته منجر به دریافت تعداد بسیار زیادی اثر در قالب کتاب و تک‌شعر شد و در نهایت با توجه به حجم بالای آثار رسیده به جشنواره، برای

التزام به رعایت حقوق تمامی شرکت‌کنندگان، علاوه بر افزایش تعداد داوران و افزایش مدت‌زمان بررسی آثار توسط داوران، از داوران غیربومی خراسان نیز در روند داوری بهره بردیم، تا بتوانیم بهترین و دقیق‌ترین نتیجه را بگیریم و نگاهی بی‌طرفانه بر این امر حاکم باشد.

سالم بودن جریان داوری قابل ستایش بود

سالم بودن جریان داوری، موضوعی عادی است، اما آنقدر خلاف آن را دیده‌ایم که وقتی یک جایزه را می‌بینیم که سالم برگزار می‌شود، فکر می‌کنیم که اتفاق عجیبی افتاده است و باید حتماً ذکر کنیم. واقعیت این است که در روند داوری جشنواره‌های زیادی دیده‌ایم که یک جایزه خاص به یک شخص، به یک نشر، به یک کارگاه یا گروه، یا یک طیف و جریان ادبی، سیاسی



لیلا کوردجه
داور جایزه ادبی مشهد

جایزه‌های زیادی دیده‌ایم که یک جایزه خاص به یک شخص، به یک نشر، به یک کارگاه یا گروه، یا یک طیف و جریان ادبی، سیاسی



ایران

www.irannewspaper.ir

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888

021-88888888